



Editorial Note



Theorizing in Sport Management

Rahim Ramezaninejad*^{id}

Professor of Sport Management, University of Guilan

One of the primary objectives of research is to test, refine, construct, and utilize theories. The most crucial prerequisite for achieving these goals is theorizing—the process of conceptualizing various ideas or issues (conceptual models or frameworks). The experiences of sport management theorists indicated that following research trends, gaining practical industry experience, and engaging in dialogue with researchers and practitioners can significantly aid the theorizing process. Furthermore, a vital method of theorizing is the conceptualization and integration of diverse concepts. The ability to conceptualize is paramount during the coding stage of qualitative research; it relies on the researcher's mastery of theoretical foundations, enabling metaphorical understanding, fluid subjectivity, profound insight, and deep thinking. No theory can emerge without the cultivation of concepts; essentially, it is the determination and explanation of logical relationships between these concepts that leads to theory construction (theorization). Theorizing pertains more to the ability to frame or structure issues, topics, or related concepts, serving as the precursor to theory construction. Various methods exist for framing topics, such as multi-level analysis and systems approaches, which can be visualized through various formats including diagrams, tables, and other visual aids. Theorizing is the outcome of conceptualization—the act of shaping or proposing a theory. Whenever this process aims to explain a reality or phenomenon and adheres to the specific logical rules of a particular field of knowledge, the result is considered theory construction.

The field of Sport Management evolved within Physical Education and Sport Science departments. Initially, management researchers were not involved in this area and showed little interest in sports studies; instead, specialists in sociology, psychology, and biological sciences dominated sports research. Consequently, unlike other specialized branches of sport science, a distinct theoretical foundation specific to sport management did not immediately take shape. For this reason, much work remains for sport management thinkers and researchers to expand their horizons and theoretical bases. Although sport management researchers have borrowed their theoretical frameworks and research tools from other disciplines, they have been less successful in developing field-specific theories compared to sport psychology and sport sociology. Developing proprietary theories requires years of rigorous work and qualitative research. Many researchers have emphasized constructing sport management theories through theory-driven research or literature reviews to establish cohesion within the foundations of the field.

Typically, the first step in theorizing is the precise description of the subject, concept, or phenomenon under study. In this initial stage, researchers observe, describe, and measure phenomena with high precision. This stage must be conducted comprehensively and objectively, without being influenced by the researcher's personal





attitudes or values. Otherwise, subsequent steps in the theorization process will be fundamentally flawed. The second step involves the classification of knowledge and findings. Through classification, researchers attempt to simplify and organize the relationships between phenomena and their expected outcomes (framing). In the third step, researchers explore the relationships and correlations between different categories and the observed outcomes. At the conclusion of this stage, it can be said that a descriptive model or descriptive theory has been formed. The descriptive phase in the theorization process is a preliminary and foundational stage, as researchers must pass through it to eventually propose a specific theory.

Keywords: Sport Management; Theorizing; Theory Development; Conceptualization



نظریه پردازی در مدیریت ورزش

رحیم رمضانی نژاد*^{id}

* استاد مدیریت ورزش دانشگاه گیلان

یکی از اهداف اصلی پژوهش: آزمون، اصلاح، ساخت و بکارگیری نظریه‌هاست. مهم‌ترین نیاز در تحقق این اهداف، نظریه پردازی یا تئوریزه کردن موضوعات است که با مفهوم‌سازی ایده‌ها یا نظرات مختلف صورت می‌گیرد (مدل یا چارچوب مفهومی). تجارب نظریه‌پردازان مدیریت ورزش نشان می‌دهد پیروی از یک ترند پژوهشی، تجربه کار و فعالیت در صنعت ورزش و الهام از گفتگو با محققان و دست اندرکاران می‌تواند به نظریه‌پردازی کمک کند. ضمناً یکی از راه‌های مهم نظریه‌پردازی، مفهوم‌سازی و ترکیب مفاهیم مختلف می‌باشد. توان مفهوم‌سازی یا مفهوم‌پردازی در مرحله کدگذاری پژوهش‌های کیفی بسیار مهم است و به درک استعاره‌ای و ذهنیت سیال، ژرف‌اندیشی و تفکر عمیق محقق مسلط به مبانی نظری وابسته است. هیچ نظریه‌ای بدون مفاهیم پرورش نمی‌یابد و در اصل، تعیین و تبیین روابط منطقی بین مفاهیم است که به ساخت نظریه (نظریه‌سازی) می‌انجامد. نظریه‌پردازی بیشتر به توانایی قالب بندی یا چارچوب‌بندی مسایل و موضوعات یا مفاهیم مربوط می‌شود و مقدمه نظریه‌سازی است. ضمناً روش‌های مختلفی برای چارچوب‌بندی موضوعات مانند تحلیل چند سطحی، رویکرد سیستمی و غیره وجود دارد یا حتی با اشکال مختلف مانند نمودارها، جداول و غیره قابل نمایش و بصری سازی است. نظریه‌پردازی، حاصل مفهوم‌سازی، عمل شکل‌دهی یا پیشنهاد یک تئوری است و هرگاه این عمل در راستای تبیین یک واقعیت یا پدیده و منطبق بر قواعد منطقی خاص مورد پذیرش یک حوزه معین از دانش شکل بگیرد، نتیجه کار، ساخت نظریه است.

رشته مدیریت ورزش در درون گروه‌های تربیت‌بدنی و علوم ورزشی رشد کرد و در آغاز، محققان مدیریت در این زمینه سهمیم نبودند و علاقه‌ای به مطالعات ورزشی نشان ندادند ولی متخصصان جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و علوم زیستی بیشتر به مطالعات ورزشی پرداختند. لذا بر خلاف سایر گرایش‌های تخصصی علوم ورزشی، یک مبانی نظری خاص مدیریت ورزش شکل نگرفت. به همین دلیل، هنوز کار زیادی برای اندیشمند و محقق مدیریت ورزش در پیش‌رو مانده است تا میدان دید و مبنای تئوریک خود را گسترش دهد. با اینکه محققان مدیریت ورزش، چارچوب نظری و ابزارهای پژوهش خود را از سایر رشته‌ها وام گرفته‌اند، ولی کمتر توانسته‌اند مانند روان‌شناسی و جامعه‌شناسی ورزش تئوری‌های خاصی را ارائه دهند و برای ارائه نظریه اختصاصی به سال‌ها کار سخت و پژوهش‌های کیفی نیاز دارند. بسیاری از محققان بر ساخت نظریه مدیریت ورزش با استفاده از پژوهش‌های مبتنی بر تئوری‌های مختلف یا مطالعات مروری تاکید کرده‌اند که برای انسجام بخشی به مبانی مدیریت ورزش لازم است.

معمولاً اولین گام برای تئوری‌پردازی، توصیف دقیق موضوع، مفهوم یا پدیده مورد مطالعه است. در گام نخست، محققان پدیده‌ها را مشاهده و به دقت توصیف و اندازه‌گیری می‌کنند. مرحله‌ای که باید بدون توجه به گرایش‌ها و ارزش‌های شخصی محقق و تحلیل‌گر به طور کامل و جامع توصیف شوند. در غیر این صورت، گام‌های بعدی نظریه‌پردازی از پایه دچار اشکال خواهد شد. گام دوم، طبقه‌بندی دانسته‌ها و یافته‌هاست. محققان با این طبقه‌بندی‌ها تلاش می‌کنند تا روابط بین پدیده‌ها و خروجی‌های مورد انتظار آن‌ها را ساده‌سازی و سازمان‌دهی نمایند (قالب‌بندی یا چارچوب‌بندی). در گام سوم، محققان روابط و همبستگی بین دسته‌های مختلف و خروجی‌های مشاهده شده را



جستجو می‌کنند. در انتهای این مرحله می‌توان ادعا کرد که یک مدل توصیفی یا تئوری توصیفی شکل گرفته است. مرحله توصیفی در فرایند تئوری‌سازی یک مرحله مقدماتی و اولیه است، زیرا محققان به طور کلی باید از این مرحله عبور کنند تا بتوانند تئوری خاصی را ارائه دهند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت ورزش، نظریه‌پردازی، نظریه‌سازی، مفهوم‌پردازی